

## توافق نامه چند جانبه سرمایه گذاری جهانی و قانون اساسی شرکت های فراملی

### حکومت جهانی "فراملی ها"

یوسف ابراهیم

(عضو سندیکای رسانه ها-آلمان-)

به مناسبت هشتاد و پنجمین سالگرد بنیان گذاری سازمان جهانی کار (ILO) در ماه جون سال ۱۹۹۷ گردهمایی نمایندگان سازمان های کارگری در ژنو برگزار شد. برای فعالان سندیکایی برای اولین بار در این گردهمایی انشاء شد، که از دو سال قبل، مذاکرات محرمانه ای میان کشورهای عضو سازمان همکاری و توسعه اقتصادی (OECD) در پاریس برای تصویب توافق نامه چند جانبه سرمایه گذاری (MAI) در جریان بوده است، که هدف آن تصویب قراردادی چند جانبه برای حفاظت از سرمایه گذاری در سطح بین المللی است. علیرغم آنکه سازمان جهانی کار در این مذاکرات به عنوان ناظر شرکت مستقیم داشت، سازمان های سندیکایی نسخه اصلی طرح توافق نامه چند جانبه سرمایه گذاری را دریافت نکردند.

نکاتی از توافق نامه، برای نمایندگان سازمان های کارگری روشن ساخت، که در حقیقت با امضای توافق نامه از جانب ۲۹ دولت عضو سازمان همکاری و توسعه اقتصادی- یعنی باشگاه ثروتمندترین کشورهای صنعتی جهان- تسلط سیاسی شرکت های فراملی بر جهان و پایان حیات دولت های ملی و دولت های رفاه عمومی، بعنوان امری همیشگی اعلام شده است.

نمایندگان سازمان های کارگری آلمان، پس از آگاهی از این امر، بلافاصله موضوع را به اطلاع سران اتحادیه سندیکاهای آلمان (DGB) و نمایندگان احزاب و نشریات آلمان رسانند و نمایندگانی را به وزارتخانه اقتصادی فرستادند. در آنجا به آنان گفته شد، «وقتی مذاکرات پایان یافت، نتیجه آن به مجلس آلمان فرستاده خواهد شد و حتما در آنجا تصویب خواهد شد.» در پاسخ به این سؤال که چرا موضوع مخفی نگه داشته شده است، پاسخ دادند: «این طبیعی است که از هر شهروند معمولی پرسیده نشود که تحت چه شرایط و ضوابطی در خارج از کشور سرمایه گذاری شود.»

#### موضوع بوسر چیست؟

طبق این توافق نامه، یک سری مقررات جدید جهانی برای سرمایه گذاری از جانب شرکت های فراملی پیش بینی شده است. بر اساس این مقررات، به شرکت های فراملی آزادی و حقوق نامحدود داده می شود، تا در هر کجای دنیا که مایل باشند هر جور که بخواهند، خرید و فروش کنند، هر چه می خواهند در تملک خویش داشته باشند و هر چه مایلند و هر جور که مایلند تولید کنند، بدون آنکه از جانب سیستم قانون گذاری ملی و محلی در حوزه های حقوق کار، حفاظت محیط زیست و حقوق بشر محدود شوند.

در واقع می توان گفت: این قرارداد حقوق سیاسی و قدرت سیاسی را به شرکت های فراملی منتقل می کند و سرمایه گذاران داخلی و خارجی را در مقابل حقوق قضایی یکسان قرار می دهد. بدین طریق "سیاست دیگر حاکم بر اقتصاد نیست، بلکه برعکس بیشتر خدمتگذار آن خواهد بود.

این توافق نامه خواستار رفتار یکسان در مقابل سرمایه گذاران خارجی و داخلی است و حتی برای سرمایه گذاران خارجی مزایای بیشتری قابل می شود، زیرا محدودیت هایی که در اثر تصویب و اجرای قوانین کار و حفظ محیط زیست شامل سرمایه داران داخلی می شود، سرمایه داران خارجی را در بر نمی گیرد. اما برعکس برخورداری از همه گونه بخشودگی مالیاتی و سوسیدها را که سرمایه گذاران داخلی از آنها بهره مند می شوند، برای سرمایه گذار خارجی تضمین می کند.

بر سرمایه گذار، که از کشورهای امضاء کننده این پیمان به کشوری وارد می شود، بطور اتوماتیک از مناسب ترین شرایط سرمایه گذاری در کشور سرمایه پذیر برخوردار می شود و هیچ کشوری حق ندارد مانع خروج آزاد سود حاصل از سرمایه گذاری خارجی شود.

بر اساس این توافق نامه، هرگاه اعتصابی رخ دهد، سرمایه گذار خارجی حق دارد جبران خسارت در سرمایه گذاری را از کشور «میزبان سرمایه» طلب کند و این در حالی است که سرمایه گذار خارجی در مقابل آسیب های اجتماعی و محیط زیستی که خود او موجب آن بوده است، به هیچ وجه پاسخگو نیست. توافق نامه همچنین کشورهای امضاء کننده را از سلب مالکیت سرمایه خارجی برحذر داشته و

تاکید دارد که در شرایط استثنایی هرگاه منافع عمومی کشور میهمان آنرا اجتناب ناپذیر سازد، باید بلافاصله خسارت جبران شود.

از همه مهمتر آنکه طبق این توافق نامه، دولت های امضاء کننده موظف هستند، امنیت و فضای مناسب سرمایه گذاری را فراهم آورند. از جمله بایستی در هر کشور همه قوانین و مقرراتی که مخالف روح این قرارداد می باشند، تا تاریخ معینی لغو شوند. این بدان معنی است، که همه مقررات ملی برای حفظ نیروی کار و محل کار و حداقل دستمزد و حقوق و مقررات کار زنان و کودکان و حفاظت محیط زیست و حقوق بشر از سر راه سرمایه گذار وارد شوند، برداشته شوند. دولت های امضاء کننده همچنین متعهد می شوند در آینده نیز قانونی را که مغایر اهداف این توافق نامه باشد، به تصویب نرسانند. به عبارت دیگر سیاست نولیبرالیزه کردن اقتصاد را برای آینده نیز معین و تحکیم می بخشد.

قرارداد برای مدت بیست سال اعتبار خواهد داشت. هرگاه کشوری بخواهد قرارداد را ترک کند، بایستی پنج سال صبر کند و پس از آن نیز سرمایه های خارجی در این کشور به مدت پانزده سال تضمین شده خواهد بود.

#### طراح اصلی

در اینجا لازم است که کمی هم درباره موتور اصلی این توافق نامه صحبت شود. پشت توافق نامه چند جانبه سرمایه گذاری آمریکا و دفتر تجارت بین المللی آمریکا (US-CIB) ایستاده اند و می توان گفت که این توافق نامه دست پخت نولیبرالیست های آمریکایی برای تنظیم روابط اقتصادی و تقسیم قدرت سیاسی میان سرمایه گذاران فراملی و سرمایه پذیران و نهایتا انتقال قدرت سیاسی به آنها در اتخاذ تصمیم و سیاست گذاری در عرصه اقتصاد ملی و بین المللی است.

رئیس دفتر تجارت بین المللی آمریکا در تاریخ ۱۱ فروردین ۱۳۷۶ طی نامه ای اعلام کرد که توافق نامه چندجانبه سرمایه گذاری، قراردادی میان دولت هاست که به منظور حمایت از سرمایه گذاران بین المللی تدوین شده است و موظف به حفاظت از سرمایه گذاری ها و لیبرالیزه کردن مقررات سرمایه گذاری بین المللی می باشد.

در ابتدا کمیسیون اروپا مایل بود، که این توافق در چهارچوب سازمان تجارت بین المللی (WTO) انجام گیرد. اما هراس آمریکایی ها از آن بود که کشورهای در حال توسعه عضو سازمان تجارت بین المللی، با کل این توافق نامه به مخالفت برخیزند، زیرا مغایر منافع ملی آنهاست. آمریکایی ها خواهان قراردادی بودند که در سطح جهان منافع سرمایه گذاران آمریکایی را تضمین و حفاظت کند.

در گفتگوهای رایج گفته می شود که این قرارداد بیشتر به منظور حفظ سرمایه گذاری ها و تضمین سودآوری آنها در کشورهای شرقی و روسیه تدوین شده است. سرمایه گذاران و سیاستمداران مدافع منافع آنان می گویند به دروغ از تبدیل دولت های سیاست گذار به خدمت گذار اقتصاد و سرمایه بین المللی دفاع کنند و آزا وسیله ای برای بوجود آوردن محل اشتغال معرفی کنند.

آمریکا ابتدا این سیاست را در کشورهای آمریکای لاتین با استفاده از پیمان NAFTA با اجرا گذاشت و ما امروز شاهد ویرانی های جبران ناپذیر در طبیعت و محیط زیست و همچنین افزایش بیکاری و فقر مردم در آنجا می باشیم.

امروز با آشکار شدن مفاد این توافق نامه بهتر می توان هدف های انتقال سرمایه گذاری شرکت زیمنس از شهر درسدن در آلمان به شهری در انگلستان و نیز سرمایه گذاری های مرسدس بنز در آمریکا و بالعکس، سرمایه گذاری شرکت های آمریکایی در اروپا را توضیح داد: زیرا نهادن تمامی دستاوردها در عرصه های حقوق کار، حفاظت و تامین نیروی کار و محیط زیست وغیره.

اما هدف اصلی و مهمتر این توافق نامه محرمانه، به پیش راندن هیولای نولیبرالیسم و امریکانیزه کردن روابط کار، نه تنها در کشورهای جهان سوم (جنوب)، بلکه همچنین در کشورهای پیشرفته صنعتی (شمال) است.

با اجرای این توافق نامه استقلال ملی کشورهای جهان از بین رفته و جهان محل تاخت و تاز شرکت های فراملی و دولت های دست نشانده آنها خواهد شد و دیگر در مقابل عطش پایان ناپذیر امریکالیسم برای غارت ملل جهان مرزی باقی نمی ماند، جز مرز آگاهی مردم و جنبش عمومی آنها در برابر این غارت!

با توجه به اینکه کشور خود ما ایران نیز اکنون مرحله مهمی را در این زمینه ها طی می کند و سرمایه گذاری خارجی در ایران نیز، نه تنها قانونی شده، بلکه تشویق نیز می شود، باید برای سئوال های زیر، با بحث های همه جانبه، پاسخ های مناسب یافت:

۱- چگونه می توان از سرمایه گذاری خارجی بهره برد، بدون آنکه به استقلال ملی و دستاوردهای مبارزه اجتماعی در کشور میزبان سرمایه خارجی، ضربه وارد شود؟

۲- در تدوین قراردادها با شرکت های فراملی، چه رتوس و نکاتی باید مورد توجه قرار گیرد؟

۳- چه باید کرد، که دولت های سرمایه پذیر به پاسبانان منافع شرکت های فراملی تبدیل نشوند؟

۴- چه باید کرد، تا سرمایه گذاری های داخلی در مقابل سرمایه گذاران فراملی، حفاظت شوند؟

این بحث را در آینده پی خواهیم گرفت.